کشورهای در حال گذر اروپا و مشکلات اجتماعی

در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی‏ سابق،جوامع کمونیستی اروپای مرکزی، شرقی،حوزه بالتیک و سایر کشورهای‏ شوروی سابق حرکت خود را به سوی‏ دمکراسیهای سرمایه‏داری نوین آغاز کردند.ولی مرحله گذر،صرفا و اساسا جنبه اقتصادی ندارد،بلکه مستلزم ایجاد نظامهای جدید سیاسی و نهادهای جدید و نظم اجتماعی نوین است.

برخی از پیامدهای مربوط به مرحله‏ گذر غیر مترقبه بوده است.برای مثال، برخی از اقتصاددانان با توجه به تجربه‏ چین،که در پی آزادسازی ملایم شاهد رشد تقریبا مداوم بود،احتمالا انتظار داشته‏اند که کشورهای اروپای مرکزی‏ و شرقی نیز همان رشد را داشته باشند. ولی در پی نابودی نظام برنامه‏ریزی‏ متمرکز و آزادسازی کشورهای در حال گذر اروپای مرکزی و شرقی،کاهش تولید آنها بسیار بیشتر و مستمرتر از حد انتظار بود.ولی سرانجام در برخی از این‏ کشورها اوضاع اقتصادی بهبود یافت‏ منتهی موجب افزایش رفاه در تمام‏ بخشهای جامعه نشد.بدین ترتیب باید گفت که توانایی کشورهای مذبور برای‏ پاسخگویی به نیازهای مردمشان متکی‏ به رشد پایدار،جلب سرمایه‏گذاری‏ و فازایش بهره‏وری خواهد بود.

برای دستیابی به رشد پایدار دو شرط اساسی وجود دارد.نخست،آزادسازی‏ موفقیت‏آمیز اقتصادی است.تا زمانی که‏ تورم به کمتر از 50 درصد نرسیده رشد پایدار امکانپذیر نیست.به عبارتی،پس‏ از تصویب برنامه تعدیل اقتصادی جدی‏ جهت رشدت،تقریبا 2 سال زمان لازم است‏ تا تورم کاهش یابد.شرط دوم،انجام‏ اصلاحات ساختاری فراگیر است.برای‏ این کار،خصوصی‏سازی و ایجاد یک‏ سری نهادهای مناسب برای اقتصاد بازار الزامی است.

رابطه بین اصلاح سیستماتیک و افزایش تولید بسیار چشمگیر است.

افزایش تولید در پی افزایش شدید بهره‏وری نیروی کار ایجاد شده، و در بسیاری از موارد،افزایش واقعی‏ میانگین دسمزدها بلافاصله پس مرحله‏ نثبیت تقریبا در تمام منطقه کاهش‏ یافته است.

سیاست مالی مسائل بسیار دشواری را رو در روی کشورهای در حال گذر قرار داده‏ است.برای مثال،کاهش درآمدها باعث‏ کاهش شدید هزینه‏ها شده است.در نتیجه،دولتها مجبور شده‏اند در مورد اولویتهای هزینه‏ای خود(بین حقوق‏ بالا و مستمریهای عقب‏افتاده)تجدید نظر کنند.برای حل این مشکل باید مبنای مالیاتی به‏طور موثری افزایش‏ یابد و الگوهای هزینه‏ای دولت دستخوش‏ اصلاحات سیستماتیک شود.مشکلات‏ مالی به نوبه خود این کشورها را با مسائل‏ اجتماعی زیر نیز درگیر کرده است:

بیکاری

در تمام کشورهای اروپای مرکزی‏ و شرقی،نرخ بیکاری بین 10 تا 20 درصد بسیار عادی شده است.البته به خاطر ادامه فعالیت واحدهای بزرگ در برخی از این کشورها،پیامد بیکاری به‏طور موقتی‏ مخرب نبوده است.با این وجود،به‏طور کلی نرخ مشارکت افراد در بازار کار در برخی از کشورهای مزبور،بویژه برای‏ زنان،با کاهش همراه بوده است.

میزان اشتغال در کشورهایی که از پیشرفت بیشتری در مرحله گذر برخوردار بوده‏اند،رو به افزایش است.ایجاد مشاغل بویژه در بخش فراموش شده‏ خدمات رسما اعلام شده است.حتی با افزایش بهره‏وری،مشاغل جدیدی رو به‏ پیدایش است.این پیشرفت احتمالا باعث خواهد شد تا سرعت افزایش‏ استانداردهای زندگی بیشتر شود.

آشکار است که ایجاد مشاغل در تمام‏ منطقه مزبور در نهایت به فعالیت‏های‏ سورآور بستگی دارد که رابطه نزدیکی با نرخهای ارز رقابتی،بازارهای کار انعطاف‏پذیر،و زیرساختارهای تجاری و حقوقی مناسب دارد.صندوق بین المللی‏ پول برای کمک به اجرای موثر سیاستهای‏ مناسب،با مقامهای این کشورها از نزدیک همکاری کرده است.

دستمزدهای پایین‏ و وخامت شرایط اشتغال

در کشورهای در حال گذر،ساختار دستمزدها و همچنین سیستم انگیزش با حرکت به سوی اقتصاد بازار،نحوه‏ پرداخت دستمزدها کاملا فرق کرده، و برای آموزش عالری ارزش بیشتری در نظر گرفته شده است.در نتیجه،حقوق‏ و وضعیت کارگران غیر ماهر-بویژه‏ کارگران صنایع سنگین نظام قدیمی مانند معدنکاران و کارگران فولاد که مورد توجه‏ دولت بوده‏اند-با کاهش همراه شده‏ است.در کشورهایی که بیکاری در سطوح‏ پایین نگاهداشته شده،دستمزدهای‏ واقعی کارگران غیر ماهر کاهش بیشتری‏ داشته است.در مورد وضعیت دستمزدی‏ بخش غیر رسمی اطلاع چندانی در دست‏ نیست.ولی یک احتمال اینست که‏ مشاغلی با دستمزدهای بسیار پایین و بسیار بالا به‏طور همزمان وجود دارد.

کشورهای در حال گذر معمولا تمایلی‏ به استفاده از قوانین حد اقل دستمزد نداشته‏اند.

به همین خاطر،اصلاح بازار کار منجر به رعایت یکپارچه استانداردهای‏ بین المللی کار نشده است.گفته می‏شود که بخش خصوصی ناآگاه،اتحادیه‏های‏ کارگری ضعیف،و ضعف دولت در اعمال‏ قوانین از دلایل آن بوده است.با این حال، کشورهای مذبور باید برای ارتقای‏ استانداردهای بین المللی کار تلاش‏ بیشتری کنند.بین تعدیل موثر و اعمال‏ کنوانسیونهای بین المللی کار هیچ‏ تناقضی وجود ندارد.

افزایش نابرابری درآمدها و فقر

در تمام کشورهای در حال گذر اروپای‏ مرکزی و شرقی،نابرابر درآمدها و فقر- به خاطر دستمزدهای پایین،رشد بیکاری،و سیستم مالیاتی ناپایدار و غیر موثر-رو به افزایش می‏رود.حتی اگر چنین باشد،اطلاعات موجود باید با احتیاط بررسی شود.برای مثال،سوابق‏ نسبتا دقیق فهرست حقوق طبق سیستم‏ قدیمی نگهداری شده است،ولی‏ اطلاعات تقریبا موثقی در مورد درآمدهای حاصل از پخش غیر رسمی‏ نیز در دسترس است.اعتقاد بر اینست که‏ تغییر در سیستم توزیع منصفانه درآمدها دیر انجام شده است.کاهش حمایت از جامعه باعث می‏شود تا افراد بیشتری به‏ رابطه تلاش فردی و بهبود استانداردهای‏ زندگی پی ببرند.با این حال،شبح رو به‏ پیدایش فقر در بخش تحتانی هرم‏ درآمدها مستلزم بررسی بیشتر دلایل‏ اخلاقی،سیاسی و اقتصادی است. در بسیاری از کشورهای در حال گذر،از شبکه‏های اضطراری تامین اجتماعی‏ برای پرداخت مستمری و جبران خسارت‏ بیکاری استفاده شده است.ولی توسل به‏ این‏گونه اقدامات نتوانسته است فقر را به‏طور موثری کاهش دهد.برنامه‏های هدفمند کمکهای اجتماعی-با توجه به موانع‏ بودجه‏ای موجود-موثرترین ابزار برای‏ کاهش فقر و نابسامانی اجتماعی است.

بدتر شدن خدمات‏ اجتماعی

کاهش منابع مالی،کشورهای در حال‏ گذر را مجبورکرده است تا برنامه‏های‏ اجتماعی قبلی بلندپروازانه خود را مورد ارزشیابی مجدد و تجدید ساختار قرار بدهند.البته،شرایط کنونی چندان‏ رضایتبخش نیست.سطح ارائه خدمات‏ و تعداد کارکنان به‏طور چشمگیری کاهش‏ داشته است.و همین امر باعث شده است‏ تا حمایت سیاسی و اجتماعی از فرایند تغییرات ضعیف شود.در نتیجه،منابع‏ کمیاب مالی در بخش خدمات اجتماعی‏ باید به‏طور کاراتری مصرف گردد.افزایش‏ استقلال شخصی یکی از مسائل عمده‏ مرحله گذر است.با توجه به این واقعیتهای‏ جدید،تکامل درازمدت سیاست‏ اجتماعی در سرتاسر منطقه مورد بحث‏ احتمالا شامل ترکیبی از مزایای هدفمند و کاهش خدمات دولتی خواهد بود.

با این حال،به رغم تمام این موانع، آینده روشنی در مقابل بیشتر کشورهای‏ در حال گذر وجود دارد.در بسیاری از این‏ کشورها،تورم کاهش یافته و چشم‏انداز رشد رو به افزایش است.مشروط بر آنکه‏ هیچ‏گونه افزایش در اجرای سیاستهای‏ هدفدار وجود نداشته باشد،نرخ رشد دراز مدت پایدار در کشورهای مذبور می‏تواند سالانه به 4 تا 5 درصد برسد.دولتهای این‏ کشورها برای بهبود چشم انداز آینده‏شان‏ باید فرایند تثبیت اقتصاد کلان را تکمیل‏ کنند،بازسازی واحدهای اقتصادی را به‏ طور فعال‏تری پیگیری نمایند،تلاشهای‏ خود را در جهت اصلاح بخشهای مالی‏ و تامین اجتماعی سوق دهند،به جذب‏ سرمایه‏های خارجی بپردازند و از پس‏ اندازهای داخلی برای کمک به بازسازی‏ صنعتی استفاده کنند.

آیا رابطه‏ای بین سرعت تثبیت و تغییر شکل ساختاری با رشد فزاینده بیکاری، فقر و بدتر شدن خدمات اجتماعی‏ وجود دارد؟باید گفت زمانی که یک کشور مرحله اولیه تعدیل را آغاز می‏کند-که‏ معمولا یک سال طول می‏کشد-رابطه‏ مذبور بسیار جزیی است.به‏طور کلی،هر اندازه که شرایط برای شکوفایی اقتصاد بازار سریعتر فراهم شود،مشکلات مربوط به دوران گذر سریعتر برطرف خواهد شد.